

پاسخ به پرسش کودکان



لیلا کافملو
پژوهشگر مؤسسه
مطالعات کودکی مدرس

● کودکان مثل یک لوح سفید هستند که چیزی روی آن نوشته نشده و این لوح سفید اطلاعات خود را از محیط اطراف، خانواده و جامعه دریافت می‌کند. زمانی که بچه‌ها اطلاعات را جمع‌آوری کردند، به‌تدریج شروع به پرسیدن سؤال از والدینشان می‌کنند. هر چقدر کودک نسبت به محیط اطراف خود دقت بیشتری داشته باشد، به همان اندازه سؤالات بیشتری می‌پرسد. معمولاً سؤالات کودکان در ابتدا عینی‌تر است و از چیزهایی که می‌بینند، می‌پرسند و در مورد آنها از پدر و مادر خود پرس‌وجو می‌کنند. اما به تدریج که سن کودک بالا می‌رود، سؤالات او انتزاعی‌تر می‌شود، مثل بچه‌ها از کجا می‌آیند؟ و... .

واکنش والدین در مقابل سؤالات کودکان مهم است و تأثیر زیادی در شکل‌گیری شخصیت و منش کودکان دارد. نکته‌ای که باید به آن توجه ویژه کنیم این است که در چه شرایطی به فرزندان واقعیت را بگویید. مثلاً ممکن است فرزندان در مورد اینکه از کجا آمده از شما سؤال بپرسد و شما با عنوان پدر و مادر به دلیل اینکه نمی‌خواهید جواب واضحی به او بدهید، بگویید «تو را از بیمارستان خریدیم، یا آقا/ خانم دکتر بهمون داده و...» این‌گونه پاسخ‌دادن، فقط باعث می‌شود کودک شما اعتمادش به شما سلب شود یا باعث می‌شود کودک شما را یک پدر و مادر نادان ببیند و رابطه پدر و مادر با کودک آسیب ببیند. برای پاسخ به سؤالات کودکان در ابتدا باید بدانیم که او چه اطلاعاتی دارد و چه چیزی در ذهنش می‌گذرد.

بهترین حالت این است که از خود کودک بپرسیم در مورد سؤال مطرح‌شده‌اش چه اطلاعاتی دارد. البته شیوه رسیدن به اطلاعات مهم است. شما با این نوع سؤالات می‌توانید در مورد میزان اطلاعات او آگاهی پیدا کنید: «چه سؤال خوبی پرسیدی، راستی چي شد

این سؤال را پرسیدی؟ تو در مورد این سؤالی که کردی چی می‌دونی؟ و...» کودکان براساس جواب‌هایی که از شما و محیط اطراف دریافت می‌کنند، یاد می‌گیرند که چگونه زندگی کنند و افکار و شخصیتشان در جهت همین جواب‌ها شکل می‌گیرد. در نتیجه والدین بهتر است به پرسش‌های کودکان حساس باشند و با شفافیت و صداقت پاسخ کودک را بدهند و جواب قانع‌کننده برای کودک داشته باشند. کودک از شما جواب‌های درست، دقیق و منطقی می‌خواهد و اگر از شما پاسخ اشتباه بشنود، اعتماد خود را از دست داده و این اعتماد به سختی بازمی‌گردد. اگر جواب پرسشی را نمی‌دانید، به اتفاق کودکان آن پاسخ را بیاید یا از او بخواهید به شما فرصت دهد تا جواب پرسش او را بیاید و در اولین فرصت این کار را انجام دهید. البته گاهی لازم است در موارد معدودی به پرسش‌های کودک پاسخ نغفت، چنانچه تشخیص دادیم جواب‌دادن به سؤالی باعث ازبین‌رفتن سازگاری کودک می‌شود و احساسات منفی ماندگاری پدید می‌آورد، با زیرکی و البته رعایت صداقت، آن را جواب نمی‌دهیم یا زمانی که کودک از مسائل شخصی ما می‌پرسد و ما نمی‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم، در این حالت با صراحت و صداقت و البته روی خوش می‌گوییم دوست ندارم راجع به این مسئله صحبت کنم؛ زیرا این مسئله شخصی من است. پدر و مادر عزیز! در مواجهه با سؤالات کودکان، صداقت و صراحت و در عین حال شفافیت و مهربانی را فراموش نکنید و جواب‌های قانع‌کننده و کوتاه برای پرسش‌های کودک ارائه کنید.

تخته سفید

کودکان محروم از تحصیل در ایران

زهرا رحیمی*



و مناسب به‌ویژه در مناطق فقیرنشین به‌عنوان پلی برای آماده‌سازی کودکان برای آموزش به زبان رسمی کشور است. ترک تحصیل در برخی مناطق کشور، برای دختران پررنگ‌تر بوده و ارتباط نزدیکی با کمبودهای زیرساختی و زمینه فرهنگی دارد. برای مثال در سیستان‌وبلوچستان، نبود زیرساخت‌های ادامه تحصیل در بسیاری از روستاها و نگرانی خانواده‌ها برای رفت‌وآمد دختران به روستاهای اطراف، مانع از ادامه تحصیل آنها در مقاطع بالاتر می‌شود. به طور کلی مشکل دسترسی را می‌توان یکی از عوامل مهم در زمینه ترک تحصیل تلقی کرد. روستاهایی که در زمستان‌ها صعب‌العبور است و عملاً امکان حضور دانش‌آموزان در زمستان‌ها در آنها به صفر می‌رسد، در مناطقی مانند بويراحمد کم نیستند. نبود امکانات مناسب برای سبک زندگی کوچ‌نشینی نیز می‌تواند مانع از تحصیل کودکان شود. دسترسی به مکان آموزشی، در شرایط معلولیت جسمی کودکان، می‌تواند عاملی برای محرومیت از تحصیل باشد.

اما در بحث دوم، یعنی محرومیت از آموزش یا وجود حضور در مدرسه، نگارنده در مناطق مختلف حتی در شهر تهران شاهد بوده است که دانش‌آموز در مقطع پنجم و ششم دبستان حتی قادر به خواندن و

«محرومیت از تحصیل»، یکی از مهم‌ترین حلقه‌های زنجیره تداوم فقر در جهان است؛ به آن معنی که برخوردارن‌بودن از آموزش مناسب، کورسوهای امید برای برون‌رفت از شرایط نامناسب فعلی را با دشواری بیشتر مواجه خواهد کرد. طبق تجربه جمعیت امام علی (ع) با کودکان محروم از تحصیل در مناطق مختلف ایران، محرومیت از تحصیل می‌تواند دارای دو چهره باشد: یکی از این چهره‌ها، جنبه بارز این امر است؛ یعنی کودکانی که از حضور فیزیکی در مدارس محروم هستند. چهره دیگر حکایت از محرومیت از تحصیل پنهان دارد؛ یعنی کودکان در فضایی به نام مدرسه حضور فیزیکی دارند؛ اما این حضور با حضورنداشتن چندان تفاوتی از نظر نتیجه ندارد. درباره محرومیت از تحصیل آشکار، دلایل مختلفی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها فقر است. فقر و نبود امکان تأمین پیش‌نیازها برای حضور در محل تحصیل، باعث می‌شود تحصیل از اولویت بسیاری از خانواده‌ها خارج شود و در موارد حادث، حتی کودک به جمع نان‌آوران خانوار می‌پیوندد. کار کودکان با تحصیل آنان به طور کلی در تضاد است. کودکانی که کار می‌کنند؛ حتی در صورت حضور در مدرسه، قادر به ایفای نقش یک دانش‌آموز به طور کامل نیستند. انجام تکالیف و حضور به‌موقع در کلاس درس از جمله این مشکلات است. اگرچه در سال‌های اخیر، حضور کودکان مهاجر فاقد اوراق هویت در مدارس، تا حدود زیادی با بهبود همراه بود؛ اما این مشکلات درباره بسیاری از کودکان فاقد اوراق هویت ایرانی هنوز به طور کامل حل نشده و تصمیماتی که در این زمینه اتخاذ می‌شود، هنوز هم گاه، جنبه سلیقه‌ای پیدا می‌کند. بحث شهریه تقاضاشده از طرف مدارس نیز گاه عامل ترک تحصیل برای کودکان و خانواده‌های آنها به حساب می‌آید. اگرچه همواره اعلام می‌شود که مدارس حق مطالبه شهریه از دانش‌آموزان بی‌بضاعت را ندارند؛ اما در عمل برخوردایی که با کودکان ناتوان از پرداخت شهریه می‌شود، گاه جنبه کودک‌آزاری پیدا می‌کند. یکی از موانع مهم حضور کودکان در مناطق دوزبانه کشور، آشنایی‌نداشتن به زبان رسمی کشور، نبود امکان تحصیل به زبان مادری و نبود دوره‌های مناسب پیش‌دبستانی رایگان

ضرورت قدرت‌گیری تشکلهای صنفی-فرهنگی

سعید خادمی - فعال فرهنگی و اجتماعی

باشند که حاصل بدیهی آن قدرت‌گیری بدنه فرهنگیان و بازتاب مطالبات و دغدغه‌های جامعه به صاحبان قدرت و پیگیری تحقق آنهاست. هرچه تشکلهای قدرتمندتر و پویاتر باشند، به‌واقع مشارکت مردمی اثرگذارتر و قدرتمندانه‌تر خواهد بود. اهمیت و اصالت قائل‌شدن بهتر است به پرسش‌های کودکان تشکلهای به‌واقع احترام قانع‌کننده برای کودک داشته باشند. کودک از شما جواب‌های درست، دقیق و منطقی می‌خواهد و اگر

بر این باورم هر فرهنگی مسئول و متعددی موظف است به‌عنوان پرورش‌دهنده سازندگان فردای سرزمینمان با مفاهیمی مانند مردم‌سالاری و جامعه مدنی آشنا باشد. یادداشتهی را از یکی از فعالان صنفی ملاحظه کردم که شاکلی اعمال قدرت تشکلهای خاصی از فرهنگیان بود! غافل از اینکه قدرت‌گیری تشکلهای مصداق اعمال قدرت توسط بدنه آموزش‌وپرورش است، مگر اینکه ادعا شود که تشکلهای در قبضه عده‌ای معدود و حلقه بسته‌ای است! که به فرض صحت چنین ادعایی هرگز نمی‌توان به شاکله و ظرفیّت ایراد گرفت، بلکه مشکل از شناخت بدنه مجموعه نسبت به کارکرد تشکلهای و عدم اقبال به آنهاست که اتفاقاً ارائه تصویری و تحلیل‌های خودمدارانه و غلط به‌جای تلاش برای اصلاح روش‌های عملکردی، آسیب‌های جدی به این رکن مهم مردم‌سالاری می‌زند. وظیفه اساسی منتقدان مشفق فرهنگی این است که فارغ از فضای تهمت‌زنی و پرخاش و بداخلاقی که عموماً قابل‌معاوضه با خرده‌موقعیتی است، به دنبال نقد منصفانه تشکلهای و ارائه راهکارهای عملی برای اصلاح رویه‌ها و تقویت ارکان و اجزای آنها و در نتیجه ارتقای اثرگذاری تشکلهای

زهرا نوروزی، مدیر برتر منطقه ۴ در هفت سال متوالی و مدیر برتر کشور در سال ۱۳۹۰ است. برای مصاحبه‌کردن با ایشان به منطقه محل خدمت وی رفتم. **۴ چند سال است که برای آموزش و پرورش در حال خدمت هستید و سمت‌های شما در آموزش و پرورش تا الان چه بوده است؟** من ۳۷ سال برای آموزش و پرورش خدمت کردم. از سال ۱۳۶۱ به صورت نیروی آزاد وارد آموزش و پرورش شده‌ام. سه سال اول خدمت به عنوان آموزگار خدمت کردم، پنج سال بعد به عنوان معاون دبستان و الان ۲۸ سال است که مدیر مدرسه هستم.

۴ از نظر شما یک مدرسه خوب باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟ یک مدرسه خوب به یک کادر خوب و متخصص، یک مدیر خوب و متخصص و اولیایی همکار نیاز دارد. **۴ به نظر شما برای یک زن سخت نیست که هم شاغل باشد و هم فعالیت‌های خانه را مدیریت کند؟** اگر برنامه‌ریزی برای کارهایمان داشته باشیم، خیر؛ سخت‌ای ندارد. من در سال ۱۳۷۷ دارای سه فرزند بودم؛ دو شیفت کار می‌کردم و دانشجو نیز بودم. **۴ طبق تحقیقاتی که من از قبل داشتم، شنیدم که شما نماینده پیمانکارهای مدارس کل تهران هستید، کارکردن با مردها سخت نیست؟** سخت که خیر، من الان حدود ۳۰ سال است با مردهای زیادی از این قبیل روبه‌رو هستم، ولی شما این را هم بدانید که کار وقتی سخت می‌شود که پیمانکار یا راننده بداند به حق و حقوق خود نرسیده است و از

معلمی عشق من است

لیلا علم‌خانی - دانش‌آموز

آتجا کار مشکل می‌شود.

۴ چند سال به عنوان مدیر برتر منطقه انتخاب شدید؟

من هفت سال به عنوان مدیر برتر منطقه و سال ۱۳۹۰ به عنوان مدیر برتر کشوری انتخاب شدم. همچنین در سال ۷۶ لوح نماز را دریافت کردم، در سال ۱۳۸۰ به علت اینکه مدرسه ما قبولی‌های بی‌دری داشت در تیزهوشان نیز لوح گرفتم. در سال ۸۴ لوح تقدیر حمایت از خانواده‌های بی‌بضاعت را دریافت کردم. لوح‌های دیگری نیز از قبیل رسیدگی صحیح به امور شیر، پایگاه تابستانی، برنامه‌ریزی صحیح مدرسه، اولیا و مربیان، آموزش ادب و مهارت‌های زندگی اسلامی، پرسش مهر، طراوت و عفاف، کسب مقام ورزشی و تا الان بالای ۳۰ لوح دریافت کرده‌ام.

۴ دبلتان برای انتخاب شغل معلمی چه بوده است؟

معلمی عشق من است و با عشق وارد کار معلمی شدم. من عاشق بچه‌های دبستانی هستم، خیلی به من پیشنهاد شد که مدیر متوسطه اول و دوم یا هنرستان شوم ولی قبول نکردم به علت عشقی که به بچه‌های دبستانی داشتم.

۴ به نظر شما تأثیر دبستان در پایه‌های بالاتر چقدر است؟

تأثیر مهمی دارد؛ مخصوصاً پایه چهارم ابتدایی که پایه مهمی است؛ تأثیرات یک ابتدایی خوب را می‌شود در سال‌های بالاتر مشاهده کرد. کسانی را که آموزش داده‌ام، حالا فرزندان‌شان در مدرسه من در حال تدریس‌اند.

سودوکو سخت ۲۵۸۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۲۵۸۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو سخت

۳	۹	۱	۶	۲	۴	۵	۸	۷
۷	۴	۸	۱	۳	۵	۶	۲	۹
۶	۲	۵	۸	۹	۵	۷	۱	۳
۹	۸	۷	۵	۱	۳	۶	۴	۲
۱	۵	۷	۶	۲	۹	۱	۳	۸
۲	۳	۶	۴	۸	۹	۷	۵	۱
۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷
۸	۶	۱	۲	۷	۱	۳	۴	۵
۴	۷	۳	۶	۱	۵	۲	۸	۷

حل سودوکو ۲۵۸۸

۹	۴	۶	۱	۷	۲	۸	۵	۳
۷	۳	۱	۵	۸	۶	۲	۴	۹
۸	۵	۲	۳	۴	۹	۱	۷	۶
۴	۶	۵	۹	۱	۳	۸	۷	۲
۲	۱	۷	۸	۵	۳	۹	۶	۴
۳	۸	۹	۴	۶	۷	۵	۱	۲
۵	۲	۴	۳	۸	۷	۹	۱	۶
۱	۷	۸	۹	۲	۴	۶	۳	۵
۶	۹	۳	۷	۱	۵	۴	۲	۸

جدول ۳۵۹۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۲	۴	۵	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۳	۵	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۴	۵	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۵	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۶	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۷	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۸	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۹	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۱۰	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۱۱	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۱۲	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۱۳	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۱۴	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۱۵	۹	۲	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵

شکاف میان معلمان و دانش‌آموزان در جغرافیای سرمایه‌داری



کامل حسینی
معلم

● مدتی پیش در یادداشتی در صفحه تخته‌سفید تحت عنوان «نظام آموزشی و شکاف روزافزون میان معلم و دانش‌آموز» به یکی از عوامل بروز و سپس تشدید شکاف میان معلمان و دانش‌آموزان اشاره کردم. اما در این نوشته قصد دارم به یکی دیگر از این عوامل یعنی روح نابودگر «جهان سرمایه‌داری» اشاره کنم که خارج از مرزهای جغرافیایی اما به‌طور استوار روابطی رودررو به‌ویژه با سیستم آموزشی‌وپرورشی نیز دارد. یعنی از آن تأثیر می‌گیرد و بعدها نیز بر آن تأثیر شدید می‌گذارد. البته در اینجا «جهان سرمایه‌داری» در یک تئوری اقتصادی محض خلاصه نمی‌شود بلکه به گستره‌ای اشاره دارد که در آن، طبق گفته مارکس در «مانیفست» جز نفع شخصی صرف و «پرداخت نقدی» بی‌سرافه باقی نگذاشته و پیشه‌های گرامی مانند شاعر، وکیل، پزشک و... را کارگر مزدبگیر خود کرده و آنچه محترم است نامحترم می‌شود. در چنین گستره‌ای بی‌گمان ما با انواع آسیب‌ها و تهدیدهایی روبه‌رو خواهیم بود که نابودگر اهداف بلند یک سیستم آموزشی‌وپرورشی هستند و ما را در باتلاق ناآرامی عمیق خود فرو می‌برند. در واقع، جهان سرمایه‌داری اگرچه از طریق تکنولوژی توانسته است خواسته یا ناخواسته خدماتی رفاهی، آموزشی و علمی به بشر ارائه کند اما از طرفی دیگر نیز در جهان امروز از آن سوی جغرافیای دوری که متولد شده و شیخ همیشگی آن در حال تسخیر سرزمین‌های دیگر است با آراستگی فریبنده‌اش سیستم آموزش و پرورش را از معنویت و کرامت عریان کرده است. بنابراین طبیعی است که در این میان شکافی بس عمیق میان استاد و شاگرد و معلم و دانش‌آموز ایجاد کند. شکافی که ناشی از گسترش و چریبدن ارزش‌های مصرف‌گرایی و کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های معنوی و انسانی است. چنین است که سرمایه‌داری دو بخش مهم سیستم آموزش و پرورش یعنی استاد و شاگرد را مورد حمله خود قرار می‌دهد که از بارزترین مصادیق این حمله و شکاف، افول ارزش معنوی دانش، مشاغل و نگریستن مطلق از زاویه میزان ثروت‌آلودن دانش و تخصص‌ها، بدل‌شدن هر چه بیشتر پیوند معلم و دانش‌آموز به یک پیوند حقوقی صرف به جای پیوند دینی، علمی و اخلاقی غالب در آن، تنش و فاصله روزافزون از دید علمی و اخلاقی به مشاغل آینده، به نظر نگارنده دیوار این شکاف به طور تدریجی در اواخر دوره ابتدایی و هم‌زمان با آغاز تأثیرپذیری از محیط بیرونی تحت ضربه مداوم پتک جهان سرمایه‌داری به شکل نازکی ترک برمی‌دارد و هر چه زمان و سال تحصیلی به سمت جلو پیش می‌رود ضربه پتک قدرتمندتر و در نتیجه شکاف بزرگ‌تر می‌شود تا در نهایت این دیوار بر سر خود دانش‌آموزان و معلمان فرو ورزد. در پایان باید گفت برای درمان‌ماندن از آسیب‌های هرچه بیشتر روح جهان سرمایه‌داری بر کاهش شکاف‌ها باید نظام اجتماعی کل به‌طوری جدی به ارزش‌های یک جهان اصیل معنوی برگردد که در آن روح قرآنی به‌طور همیشگی بدبلی باشد برای وجه مادی‌گرایی و روح سرمایه‌داری که همیشه در کمین نظام اجتماعی کل نشسته است.